

جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)
دوره جدید، سال چهارم، شماره ۱۰ و ۱۱ پاییز و زمستان ۱۳۸۵

رویکردی مفهومی به تأثیر سیمای شهری بر الگوهای رفتاری

دکتر اسماعیل علی‌اکبری^۱

چکیده

شهرها بویژه کلان شهرها کانون بیشترین ناهنجاریهای رفتاری هستند. لذا طراحی یک استراتژی کارآمد مدیریت رفتار از جمله مهم‌ترین نیازهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. این مقاله با تحلیل مفهومی رابطه میان فضا و رفتار یا محیط و اجتماع، رویکرد فضا محور در مدیریت رفتارهای شهری را به بحث می‌گذارد. درونمایه این رویکرده این است که فضا باز تولید اجتماعی دارد؛ فضای شهری به طور اعم و سیمای شهری به طور اخص باز نمود رفتاری پیدا می‌کند. بدین معنا که فضای موزون انسان را به رفتار موزون و فضای ناموزون انسان را به رفتار ناموزون وادار می‌کند. لذا بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، مداخله فضایی برای ساماندهی سیمای شهری را به عنوان ابزار هدایت و مدیریت پایدار الگوهای رفتاری (فردی و جمعی) در شهرها پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فضا، رفتار، سیمای شهری، رویکرد مفهومی

مقدمه

انسان از دیر باز بر اساس نیازها و متناسب با اهداف و توانمندیهای ابزاری، محیط را دگرگون کرده و با خلق فضای جدید، خود نیز خواسته و ناخواسته تحت تأثیر فضای ایجاد شده (محیط مصنوع) قرار گرفته است. در طول قرن بیستم دو اتفاق مهم به موازات هم بر اهمیت فضا در زندگی انسان افزوده است. نخست تبدیل شهرنشینی به الگوی غالب زندگی اجتماعی و دیگری تبدیل شهرها به فضاهایی عمدتاً مصنوعی. از همین روست که در ک ارتباط میان ساختارهای فضایی و ساختارهای اجتماعی، یکی از مهمترین نیازهای زندگی شهری است.

الگوهای اولیه مداخله فضایی برای شکل دهی به سیمای شهرها و یا زرکوبی نیمکتها در شهر و نیز اغلب کارکرد دکوراتیو داشته‌اند (2 : Chandler, 2004: 1 / PB, 2001) و جز در مواردی خاص (تقویت باورها و رفتارهای مذهبی) کمتر به عنوان ابزاری برای هدایت الگوهای رفتاری بکار رفته‌اند. در معماری و شهرسازی معاصر نیز طراحی فضاهای شهری در وهله نخست با هدف منظر سازی برای افزایش جذابیت‌های بصری زندگی شهری انجام شده‌است و کاربرد آن در برقراری ارتباط برای تأثیر گذاری بر رفتارها، یا مستقیماً مورد توجه نبوده و یا در حدی ناچیز مورد توجه قرار گرفته است.

این بدان معناست که بسیاری از اقدامات ساماندهی سیمای شهرها اصولاً به عنوان یک هدف زیبایی شناختی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری انجام شده است و طرح پرسش‌های بنیادی این مقاله نیز از همین جا ناشی می‌شود؛ آیا می‌توان مداخله در سیمای فضایی شهرها را از «هدف» برنامه‌ریزی شهری به «ابزار» مدیریت شهری تبدیل کرد و بدین طریق در کنار جنبه‌های زیبایی‌شناختی (نمادین)، آگاهانه از کارکرد معنایی و غیر معنایی آن برای ضابطه‌مند کردن رفتارها، هدایت و مدیریت الگوهای رفتاری استفاده کرد؟ آیا می‌توان به پشتوانه‌ی استدلال علمی و رویکردهای مفهومی از طرح این ایده دفاع کرد که فضای موزون انسان را به رفتار موزون و فضای ناموزون انسان را به رفتار ناموزون وادار می‌کند؟

پشتوانه نظری رابطه فضا و رفتار به دلیل میان رشته‌ای^۱ بودن آن در چند الگو شکل گرفته است: (۱) الگوی مکانیکی یا سیستم انسان- ماشین (۲) الگوی شناختی- ادراکی- انگیزشی (۳) الگوی رفتاری (۴) الگوی بوم شناختی (آلتمن، ۱۳۸۲: ۲۴۸).

رویکرد مکانیکی که ریشه در سیستم های مهندسی دارد انسان را پدیده ای با توانمندیهای مکانیکی و موجودی عملکردگرا می داند که در زمینه حس کردن و پردازش درون دادهای محیطی دارای تواناییهای قابل توجهی است. لذا در زمینه طراحی فضا، هدف آن سازماندهی و خلق فضایی مصنوع متناسب باتوانمندیهای انسان (حسی، حرکتی و هوشی) به گونه ای است که انسان را قادر سازد تا عملکردی (رفتاری) مؤثر داشته باشد.

رایج ترین رویکرد به رابطه فضا و انسان یا محیط و اجتماع، الگوی ادراکی- شناختی- انگیزشی است که واکنش های ادراکی به محیط (ادراک فضایی) را بررسی می کند. هدف بررسی این موضوع است که انسان چگونه محیط را می بیند، درک می کند، احساس می کند و به آن واکنش نشان می دهد. بدین معنا که انسان چگونه محرکهای محیطی (محیط خوب یا بد) را درک و سازماندهی می کند، حالات عاطفی و انگیزشی (احساسات مثبت و منفی) مرتبط با محرک های یاد شده چه هستند و واکنش های شناختی (تصورات ذهنی یا برداشت های خوشایند و ناخوشایند) به محیط چگونه شکل می گیرند. لذا این الگو انسان را موجودی درونگرا می داند که دارای پردازشگر درونی و بیشتر به تحلیل فرایندهای درونی است و ذهنی انسان در محیط توجه دارد تا واکنش های رفتاری آشکار و عینی آن.

بدیهی است فرایندهای ذهنی و درونی نهایتاً در قلمرو فردی و عرصه های جمعی بازتاب رفتاری پیدا می کنند و بدین ترتیب از ذهنیت به عینیت درمی آیند. به همین دلیل در الگوی رفتاری به جای احساسات و واکنش های درونی به بررسی جنبه های آشکار و نمودهای رفتاری انسان در فضا تاکید می شود. در این رویکرد انسان موجودی رفتارگرا است که عمدتاً در قالب الگوهای رفتاری متجلی می شود (انسان متجلی در رفتار)؛ ولی در این زمینه بر نقش محرک های محیطی و الگوی های فضایی به عنوان عوامل تعیین کننده رفتار تاکید دارد. لذا شناخت نیازهای رفتاری و توجه به آن در طراحی و سازماندهی فضا را ضروری می داند. این رویکرد با مطالعات بارکر (Barker) در زمینه مشاهده رفتار در محیط های واقعی پایه گذاری شد. آخرین رویکرد در حوزه فضا و رفتار الگوی بوم شناختی است که انسان را پدیده ای مبتنی بر بوم می داند و با چند ویژگی بارز از سایر الگوها متمایز می شود: (۱) محیط و رفتار از هم تفکیک ناپذیرند و رفتار در بستر محیطی قابل بررسی است (۲) میان محیط و رفتار روابط متقابل و تاثیرگذار دوسویه وجود دارد؛ رفتار از محیط تاثیر پذیر و بر آن تاثیرگذار است. (۳)

کیفیت روابط انسان و محیط پویا و تغییر پذیر است؛ لذا بر طراحی محیط انعطاف پذیر تاکید دارد (۴). روابط محیط و رفتار در نظامی یکپارچه عمل می کند. بدین معنی که بسیاری از سطوح چند گانه رفتار (کلامی، غیر کلامی و رفتار فضایی) به طور همزمان رخ می دهند و پیوند جدایی ناپذیر با هم دارند (آلمن، ۱۳۸۲: ۲۵۳) رویکرد بوم شناختی به طور بالقوه کارآمدترین الگوی مطالعه روابط فضا و رفتار است که با ماهیت پیچیده این روابط همسویی دارد؛ ولی تبدیل آن به راه حل های طراحی از سایر الگوها دشوارتر است.

در چارچوب دیدگاه های فوق پژوهش های متعددی به صورت تخصصی و یا میان رشته ای در داخل و خارج از کشور انجام شده است که هر یک بر جنبه ای از تاثیر یا رابطه میان فضا و رفتار تاکید کرده اند. در این میان مطالعات ادوارد تی. هال (Edward. T. Hall) (آموس راپاپورت (Amos Rapoport) در زمینه انسان شناسی فضا از برجستگی بیشتری برخوردار است. رفتار فضایی انسان را متأثر از درک انسان از فضا می داند و در این رابطه به دو مورد توجه خاص دارد؛ نخست شکل دهی به محیط فیزیکی توسط انیان و دیگری کاربرد محیط فیزیکی در هدایت روابط اجتماعی (Therakomen, 2001, 9). کوین لینچ (Kevin Linch) در مطالعه سه شهر امریکا تاثیر وضوح یا خوانایی موجود در سیمای شهرها را در ارتباط ادارک فضایی تشریح کرد (لینچ، ۱۳۷۲: ۹۰-۹۳). دورلاک و لمان (Durlak and Lyman) تاثیر نوع معماری فضاهای آموزشی (فضاهای باز و بسته) بر جنبه های رفتاری (رفتارهای فعال، نیمه فعال و کم فعال) دانش آموزان در ۱۲ مدرسه آمریکا را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که فضای باز رفتار فعال و ترکیب فضای باز و بسته رفتار های نیمه فعال و کم فعال را سبب می شود (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۳۴). کیز مات (Kees matt) و پل دووری (Paul de veries) تاثیر میزان فضای سبز شهری بر رفتار سفری و تغییرات محل سکونت در ۹ واحد همسایگی در شهر آرنهم (Arnham) هلند را تایید کرده است (Matt, et al, 2002: 2). مطالعه مشاورین شاله (Shaller) در مورد شهر نیویورک، استفاده از نمادها و نماهای بصری زیبا توام با ترنم موسیقی ملایم رابه عنوان مهم ترین شاخص های تاثیر گذار بر رفتار در وسایل حمل و نقل عمومی شهر معرفی می کند (Shaller, 1999: 2) مطالعه فدریکو کورا (Fedrico Cura) در مورد کاهش وندالیسم^۱

^۱ - Vandalism

از طریق ساماندهی بصری ایستگاهها و وسایل حمل و نقل عمومی در شهرهای امریکا نیز نتایج مشابهی را به دست داده است (Cura, 2001).

در ایران یکی از اولین مطالعات برای تعیین کلی رابطه میان فضا و رفتار با عنوان «رابطه مسائل اجتماعی و سبک معماری شهر تهران» توسط علی‌نژاد و همکاران (۱۳۵۲) انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داده که تراکم جمعیت، آپارتمان نشینی و جدایی میان فضاهای سبز (پارکها) و محله‌های مسکونی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بروز ناهنجاریهای اجتماعی بویژه در مناطق فقیرنشین شهر است (علی‌نژاد و همکاران، ۱۳۵۲). برهانی و همکاران تأثیر تبلیغات دیواری و هنرهای تجسمی (گرافیک محیطی) بر الگوهای رفتاری در سطح شهر تهران را مطالعه کردند (برهانی و همکاران، ۱۳۷۵). حج فروش در پایان دکتری خود تأثیر و تأثر دوسویه کالبد شهر و رفتار شهری در شهر یزد (گودال مصلی) را بررسی کرده است. وی براساس این مطالعه «فرهنگ» و «نظام سیمای شهری» را دو اصل مهمی می‌داند که هویت فردی و اجتماعی را می‌سازند (حج فروش، ۱۳۸۰). پورسلمان‌اناری نیز در پژوهش مشابهی تأثیر سیمای کالبدی بافت تاریخی شهر یزد (میدان وقت ساعت) را در جذب گردشگر تأیید کرده است (پورسلمان‌اناری، ۱۳۸۱).

دانشپور براساس مطالعه موردی خیابان انقلاب شهر تهران، تأثیر کیفیت کالبدی فضا (محیط انسان ساخت) بر شکل‌گیری و بازشناسی مفهوم هویت را بررسی کرده است. نتایج این تحقیق بیانگر این نکته است که محیط مصنوع که بازتاب «خودجمعی» است در هویت یابی ساکنان متجلی می‌شود (دانشپور، ۱۳۷۹). پارسی نیز براساس مورد پژوهی خیابان کارگر در شرایط ۱۳۷۸، میان این فضا و کارکرد اجتماعی آن پیوندهای ناگسستنی بدست داده است؛ بدین معنا که فضای شهری علاوه بر جنبه‌های کالبدی، یک پدیده اجتماعی است که در تولید رفتارهای جمعی و مشارکت اجتماعی مؤثر است (پارسی، ۱۳۷۹).

امت علی، در حوزه ماهیت و کیفیت طراحی شهر و تأثیر آن بر مسائل اجتماعی، طراحی صرفاً کمی و کالبدی (شهرسازی فیزیکی) شهر جدید سهند را عامل اصلی مشکلات اجتماعی از جمله بی‌هویتی، عدم تعلق و افسردگی در این شهر می‌داند. (امت علی، ۱۳۷۸). قلیچ‌خانی نیز در بیان ارتباط میان پدیده‌های مادی و فرایندهای غیرمادی، تأثیر هنر معماری و هنر موسیقی

بر احساس و ادراک را مطالعه کرده است. این پژوهش تأثیر سازه‌های معماری (کالبد مادی) بر افراد را با تأثیر یک قطعه موسیقی بر ذهن تشبیه می‌کند (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۷). کلانتری در رابطه با توزیع جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران نشان داده که کانون‌های جرم خیز این شهر با محدوده‌های پرتراکم آن مطابقت دارد (کلانتری، ۱۳۸۰) یعنی محدوده‌هایی که با ناموزونی و آسیب‌شناسی سازمان فضایی شناخته شده‌اند. امین‌زاده و همکار نیز در مورد فضاها شهری (پارک‌ها) و آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) نتایج مشابهی را بدست داده است. وی ضمن بیان ارتباط میان طراحی فضا و الگوهای رفتاری هنجار و ناهنجار نشان داده که از طریق ایجاد سازگاری و انعطاف‌پذیری در سازماندهی عناصر تشکیل دهنده فضا می‌توان بستر مناسبی برای کاهش ناهنجاریها و افزایش رفتارهای هنجار در شهر فراهم آورد (امین‌زاده و همکار، ۱۳۸۲، ۵۷).

مؤلفه‌های اصلی سیمای شهری

سیمای شهری پاره‌ای از فضای شهری است که از مؤلفه‌ها و سازندهای مختلفی تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها اغلب محسوس، آشکار، کمی و کالبدی هستند ولی به دلیل تنوع در کالبد و کارکرد و به ویژه به دلیل ترکیب اجزاء و هم‌پیوندی اجتناب‌ناپذیرشان، به سختی می‌توان آنها را از هم تفکیک و یا به صورت منظم و سیستماتیک طبقه‌بندی کرد. علاوه بر آن در ادبیات علوم مرتبط با مطالعات شهری، برداشت از تنوع و مفهوم این مؤلفه‌ها کاملاً یکسان نیست. نماد^۱: به کلیه عناصر و سازه‌های با کارکرد بُعدی و بصری و به ندرت نیز با کارکرد اسکانی و سرپناهی^۲، نماد گفته می‌شود. مجسمه‌ها، تندیس‌ها، پیکره‌ها و کلیه المانهای^۳ نمادین شهر با حجم سه بعدی، جزء نمادهای شهری هستند. مجسمه آزادی در نیویورک و مجسمه فردوسی در تهران، نمادهایی با کارکرد بُعدی و بصری و برج‌های ایفل در فرانسه و میلاد در تهران نمونه‌هایی از نمادهای با کارکرد سرپناهی به شمار می‌روند. نماد جزئی از مبلمان شهری است که دارای فرم و بیان هنرمندانه است، در خارج از فضای بسته قرار دارد و از جهات مختلف قابل نظاره است. لذا در صورتی که به درستی طراحی و مکانیابی شود، سهم مهمی در غنی‌سازی

^۱ . Symbol

^۲ . Shelter

^۳ - Elements

فضا و ارتقاء کیفیت سیمای شهری دارد. کارکرد اصلی نماد در کنار جنبه زیبایی شناسانه، ایجاد حس مکان، هویت بخشی، انتقال پیام و القاء یا تقویت روحیه ای خاص در فضا است (شاطریان، ۱۳۸۶: ۳۰۷-۳۰۸). مثلاً مناره ها و گنبدهای مساجد در سیمای شهرهای سنتی ایران روحیه مذهبی به فضای شهری می دهد و به همین دلیل است که از نماد به عنوان نقطه عطف، تاکید و نشانه نیز یاد می شود. بنابر این نماد تجلی تفکرات و ایده های حاکم بر جامعه در قالب یک پیکر برای ایفای نقش مشخص (کارکرد) در فضای شهری است.

نما^۱: به تمامی اجزاء و سطوح بیرونی سازه های شهری گفته می شود که ممکن است به صورت عناصر منفرد و مجزی و یا به صورت ترکیبی از المانهای شهری دیده شوند. نمای یک ساختمان به عنوان نمای خرد و نمای یک ردیف سازه ای در یک خیابان به عنوان نمای کلان محسوب می شود. سطوح مرئی یک نما از کف، جداره و سقف تشکیل می شود که در هم پیوندی با هم نما را به وجود می آورند.

نما ممکن است عناصری ثابت، نیمه ثابت و یا غیر ثابت باشد. نما اولین عضو بصری و نخستین عنصر دید است و که مواجهه ناظر با سیمای شهری در وهله اول از طریق آن انجام می شود. به همین دلیل زیبایی و ترکیب آن چه در مقیاس خرد (معماری) و چه کلان (شهری)، دارای اهمیت ویژه ای از نظر تاثیر گذاری بر نگرش و رفتار است؛ وحدت، تاکید، تضادها یا تباین، سادگی و نظم، تنوع، تناسب و توالی و تکرار، هفت عنصر بصری در طراحی منظر هستند (همان: ۳۰۳-۳۰۴) که رعایت آنها متناسب با زمان و مکان، باعث خلق نمایی زیبا و تاثیر گذار خواهد شد. علاوه بر آن نمای زیبا به خوانایی شهر، تفکیک محلات و موقعیت یابی در شهر نیز کمک شایانی می کند.

منظر^۲: ترکیبی از آمیزه های مصنوعی (فیزیکی- هندسی) و طبیعی است که بر اساس اصول زیبایی شناختی و با رعایت ضوابط کاربری فضا به وجود می آید (رهنمایی، ۱۳۸۲، ۱۳۷). منظر تکه ای از فضای شهری است که می توان آن را به منظر طبیعی و منظر انسان ساخت تقسیم کرد. یک منظر بخشی از تجربه دیداری ما از شهر است که معمولاً ترکیبی از سازندهای طبیعی و غیرطبیعی را در خود دارد.

^۱ . Facade

^۲ . view

سازندهای اصلی منظر شهری عبارتند از توپوگرافی، شبکه گذرگاهی، تابلوهای اطلاع‌رسانی، نما و هندسه ساختمانها، مصالح ساختمانی، فضای سبز و عناصر مبلمان شهری. منظر در شکل‌گیری ذهنیت یا تصویر ذهنی انسان از شهر نقش تعیین‌کننده دارد. البته در شکل‌گیری ذهنیت یا درک زیبایی‌شناسانه از شهر، علاوه بر منظر شهری، رفتار ساکنان شهری نیز به سهم خود تأثیرگذار است. (همان: ۱۳۷)

کارکردهای فضای (سیما) شهری

از واژه فضا در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگون استفاده می‌شود. اما تکثر کاربرد این واژه به معنی برداشت یکسان از آن نیست و با وجود درک مشترکی که اغلب به نظر می‌رسد وجود دارد، توافقی در مورد معنا و مفهوم آن به چشم نمی‌خورد. اگر چه درک عمیق و فلسفی از مفهوم و ماهیت فضا به خودی خود سودمند است اما در اینجا فضا عمدتاً با فرم یا شکل، سیمای ظاهری یا کیفیت کالبدی و کارکرد آن مورد توجه است. از این منظر فضا می‌تواند چون یک دشت وسیع (فضای جغرافیایی) کاملاً بزرگ، بدون بعد و دست نخورده باشد و یا چون یک ساختمان یا بنا (فضای معماری) چنان سه بعدی و طراحی شده باشد که حدود و ابعاد مشخصی را القاء نماید. در حد فاصل این دو، فضای شهری قرار دارد که واحد تحلیل در طراحی و برنامه‌ریزی شهری است. این فضا کمی، کالبدی و عینی با حدود قابل اندازه‌گیری است و انسان به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، روزانه با آن در تعامل است. فضای شهری دارای کارکردهای متعددی است. این کارکردها به سختی از هم قابل تفکیک اند و اغلب ماهیت کاملاً مستقلی ندارند، بلکه به صورت لایه‌های دو یا چند سطحی، در هم پیوندی با هم عمل کرده و در ساختار اجتماعی باز نمود رفتاری پیدا می‌کنند.

کارکرد اجتماعی (جمعی) فضا

فضای شهری که خود برای پاسخ به نیازهای ساکنان هستی می‌یابد، پس از شکل‌گیری چون عنصری خارجی بر ساکنان تحمیل می‌شود و براساس نیازها و علایق نهفته در خود، به ساکنان شکل می‌بخشد؛ به عبارت دیگر شهر و فضای شهری که بر طبیعت انسان استوار است، پس از تکوین، چون عنصری مستقل بر حیات اجتماعی شهر و شهروندان تأثیر می‌گذارد.

نقدی، ۱۳۸۲ : ۸۷). لذا فضای شهری بدون در نظر گرفتن محتوی و باز نمایی های اجتماعی آن قابل بررسی نخواهد بود.

کارکرد اجتماعی فضا بیانگر رویکرد جامعه شناختی به فضای شهری است که با ظهور مکتب شیکاگو آغاز شد و با الهام از مفهوم اکولوژی و مدل های بوم شناختی در علوم زیستی و براساس تجربه شهرهای امریکا، تاثیر فضای شهری بر رفتارهای شهری (اکولوژی اجتماعی) را مطرح نمود (رمی، ۱۳۵۸: ۲۲-۲۱). بر این اساس فضای شهری در مقیاسی کلان و در قالب سیستم پیچیده فضا - جامعه از چند طریق بر فرایندها و رفتارهای اجتماعی تاثیر می گذارد: (۱) تاثیر فضا بر روابط اجتماعی: مفهوم فضا بیش از هر چیز مجموعه ای از رابطه هاست. انسان همواره با ایجاد فضاهای شهری نیاز فطری خود به برقراری روابط اجتماعی را برآورده کرده است. برخی ساختارهای فضایی از نظر اجتماعی فعال اند و امکان تعامل قوی تری را فراهم می آورند. فضاهای عمومی شهری بهترین نمونه فضاها با کارکرد ارتباطی فعال است که با ایجاد همجواری^۱ میان افراد، گروه ها، اندیشه ها و ادراکات مشترک، زمینه مناسبی برای بالندگی و حیات بخشی در روابط اجتماعی بوجود می آورند. در همین رابطه لوئیس مامفورد (Lewis Mumford) مهمترین کارکرد فضای شهری را وحدت بخشی به اجزای پراکنده شخصیت انسانی (نقدی، ۱۳۸۲: ۹۲) و آنتونی گیدنز فضای شهری و نظم موجود در آن را ظرف تحقق اعمال و روابط اجتماعی می داند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۲۳). تاکید گیدنز بر فضای شهری و محیط مصنوع سبب شده نظرات وی تحت عنوان «بت پرستی فضایی» مورد نقد قرار گیرد.

در رویکرد چارلز بوت (Charles Booth) شهر به مثابه یک پیکربندی فضایی در حال دگرذیسی بررسی می شود که بیانگر روابط میان گروه های اجتماعی است (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۶۶). جورج زیمل (Georg Simmel) نیز فضای شهری را مایه تحرک نگرشهای انسان شهر نشین می داند و در این رابطه در سال ۱۹۰۳ متنی را تحت عنوان «مادرشهر و حیات ذهنی» منتشر کرد (همان، ۶۷)؛ مفهوم مادر شهر و حیات ذهنی نزد زیمل همانند مفهوم محیط مصنوع نزد گیدنز است. لوئیس ویرث (Wirth Louis) از جنبه های اجتماعی محیط شهری به عنوان سبک نوین زندگی یاد کرد که با تاثیرات عمیق و همه جانبه ای همراه است

^۱-Proximity

(Wirth, 1983: 44) برخی جامعه شناسان سبک زندگی را در ارزشها و نگرشها می بینند ولی برخی دگر آنرا از جنس رفتار می دانند و در قالب طیف رفتاری تعریف می کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳).

بدین ترتیب فضای شهری عرصه تعامل میان انسان شهرنشین با محیط مصنوع پیرامونش است. قابلیت بازخوانی، مفهوم یابی و تبلور رفتاری کالبد شهری، بارزترین ویژگی این تعامل از منظر اجتماعی به شمار می رود. درواقع سیمای کالبدی فضای شهری که یک صورت فیزیکی - عینی است، می تواند خوانا، دست یافتنی و جذاب و یا بی شکل و غیرجذاب باشد. که خود مفاهیمی با محتوی اجتماعی هستند.

۲) تاثیر فضا بر هویت اجتماعی: در ادبیات روانشناسی اجتماعی، هویت اجتماعی اغلب براساس تعلق به طبقه خاص و یا پایگاه قومی، مذهبی و شغلی شناخته می شود. آنچه که چندان آشکار نیست نقشی است که فضا در خلق هویت افراد، گروه ها و اجتماعات ایفا می کند. هویت اجتماعی می تواند از احساس تعلق به یک فضای خاص و عضویت در آن ناشی شود (Valera, et al, 1998: 368). شرایط فیزیکی فضا که انسان روزانه در آن زندگی می کند، از طریق ساختار مکان - هویت^۱ در شکل گیری هویت نقش مهمی را بازی می کند (Ibid, 368). این بحث بیانگر رابطه میان دو مفهوم «فضای شهری نمادین»^۲ و «هویت شهری اجتماعی»^۳ است. فضای شهری نمادین عنصری از ساختار شهری است که یک گروه خاص را در پیوند با محیط تعریف می کند؛ این فضا نمادی از طبقه شهری خاص است و افراد گروه را قادر می سازد تا آنجا که ممکن است با فضا و ابعاد فضایی شناخته شوند و خود را به صورت همسان با آن تصور کنند (Ibid, 371). تجسم محیطی یا نقش مشخص فضا در ذهن و تجسم اجتماعی یا بازتاب ویژگی های اجتماعی در فضا، دو مشخصه مهم در تعریف فضای نمادین شهری است. لذا فضا نه تنها عامل ضروری شبکه های ارتباطی است بلکه یک منبع هویت است و گروههای موجود را هویت می بخشد. فضاهای شهری خاص می توانند فرایندهای شناخت شهری اجتماعی را تسهیل کنند و برای گروهی که با آن در ارتباط هستند به یک نماد هویت تبدیل شوند.

^۱ - Place - Identity

^۲ - Symbolic Urban Space

^۳ - Social Urban Identity

۳) تأثیر فضا برحافظه جمعی : ما گذشته را به کمک عناصر و اجزای فضا به یاد می آوریم. حافظه جمعی اساساً نوعی بازسازی گذشته است که تصویر وقایع قدیمی را با نیازهای کنونی سازگار می کند و بدین ترتیب به تحکیم هویت جمعی کمک می نماید. مطالعات موریس هالباکس (Mouris Halbwax) در باره حافظه جمعی، نقش فضا در زندگی اجتماعی مطرح می کند. همه آنهایی که در تولید فضای شهری مداخله دارند، پیوسته از خود می پرسند این فضا چگونه مایه‌ی تحکیم یا تخریب گروههای اجتماعی ساکن در آن می شود (فیالکوف، ۱۳۸۳، ۳۳). به نظر هالباکس سازمان فضایی و صورت‌های مادی جامعه از گذر درکی که جامعه از آن دارد بر جامعه تأثیر می گذارد؛ اما نه به موجب یک ضرورت فیزیکی مثل تأثیری که یک جسم روی جسم دیگر دارد، بلکه از طریق شناختی که ما از آن داریم [...] . این محصول عینی- فضایی در ادراک و شناخت ذهنی انسان متبلور می شود و در نهایت نمود رفتاری پیدا می کند.

هالباکس در مطالعات خود درباره‌ی نقش فضا در زندگی، سرگذشت دخترکی اسکیمو را روایت می کند که در قرن هیجدهم رها شده بود و در فرانسه او را یافته بودند؛ دخترک که از محیط زندگیش کنده شده بود، نمی توانست گذشته اش را به یاد بیاورد، مگر وقتی که اشیایی که گواهی بر زندگی گذشته اش بودند به او نشان داده می شد (همان، ۳۹). این تحلیل نشان می دهد که فضای شهری چگونه در قالب حافظه جمعی بر تشکیل هویت جمعی تأثیر می گذارد. این تحلیل را می توانیم به بناهای تاریخی شهر و به گروههایی که به آن وابسته هستند تعمیم دهیم و بر همین اساس بر جایگاه جغرافیایی حافظه در پیکربندی سیمای شهری تأکید نمایم .

کارکرد ادراکی فضا

ادراک و شناخت یکی از فرایندهای پایه روانی است که تحت تأثیر سه عامل شکل می گیرد: عوامل روانشناختی فردی ، خصوصیات فرهنگی افراد و شرایط فیزیکی فضا (مرتضوی ، ۱۳۸۰: ۷۲) که عوامل اول و دوم درونی و عامل سوم بیرونی است . فرایند ادراک مرحله جمع آوری اطلاعات و فرایند شناخت مرحله تعبیر و تفسیر آنهاست که در نهایت به انگزیش رفتار می انجامند.

در ادراک محیطی یا ادراک فضایی بر خلاف ادراک اشیاء ، دو ویژگی نهفته است؛ نخست انسان خود جزئی از فضای مورد مشاهده محسوب می شود و با حرکت در فضا، نقش موثر در تعریف حدود و دیگر ویژگی های آن دارد ؛ دیگر اینکه طیف اطلاعات و متغیرهای ورودی به فرایند ادراک و شناخت بسیار بالا است و دارای گستره وسیعتری است. در جریان فرایند ادراک فضایی، اطلاعات بوسیله اعضای حسی بویژه حس دیدن و مشاهده کردن دریافت می شوند و تصویری از محرکهای فضایی ونحوه سازماندهی فضا در ذهن نقش می بندد . این تصویر علاوه بر عوامل درونی ، به شدت تحت تاثیر شرایط و کیفیت کالبدی فضا یا عامل بیرونی قرار دارد در واقع همانگونه که انسان غمگین می تواند فضا را غمگین ادراک کند و یا درک مهندس معمار از یک بنا با دید یک خانم خانه دار از آن تفاوت بسیار دارد ، به همان نسبت کیفیت عناصر فیزیکی و ساختار فضا نیز می تواند با تاثیر قابل توجه برانسان ، ادراک فضایی (خوب یا بد) ایجاد نماید . در همین حال انسان با اهداف کاربردی و نگرشهای خاص به فضا می نگرد و از هر واحد فضایی، انتظاری خاص دارد . مثلا به یک واحد به عنوان فضای گردشگری و به واحد دیگری به عنوان فضای ترافیکی می نگرد. این بدان معنا است که ادراک فضایی فرایندی جهت دار و هدفدار است .

سیمای فضا، محیط مصنوع یا عامل بیرونی در صورتی که متناسب باتوقعات؛ اهداف و ویژگی های معین سازماندهی شود ، ادراک خوشایند تولید می نماید و در غیر این صورت می تواند در تولید ادراک ناخوشایند و به تبع آن رفتار ناموزون موثر باشد. اگرچه انسان صرفا زاینده شرایط فضایی نیست و همواره تحت تاثیر عوامل درونی - فرهنگی نیز قرار دارد ، ولی در این دیدگاه بر تاثیر عوامل و شرایط فضایی در پیدایش، تشدید و تضعیف و یا تحریک برخی فرایندهای ادراکی و الگوهای رفتاری تاکید می شود. به طور مثال وجود مسیر های پیاده روی و یا فضاهای عمومی در شهر انگیزه های ارتباطی و اجتماعی را تحریک می کنند. حال چنانچه این گونه فضاها با ویژگیها و استانداردهای معینی طراحی و احداث شوند، به ارضای نیازهای ادراکی نیز منجر می شوند. در غیر اینصورت ارضای نیاز به تعویق می افتد و انسان ابتدا دچار اختلال رفتاری شده و سپس در فرایند سازگاری با محیط ، ناچار از بی حس شدن در مقابل شرایط محیطی است که به آن «کرختی محیطی» می گویند (همان، ۷۲) مانند زمانی که مجبوریم عادت نماییم در فضای ترافیکی محدود (تراکم فضایی) ، مخدوش و به هم ریخته تردد نماییم . بنابراین عامل بیرونی یا فضای شهری در مفهوم عام و خاص آن با تاثیر گذاری

برفرایند ادراک و شناخت ، به عنوان عامل برانگیزنده رفتار عمل می نماید که محور اصلی بحث در روانشناسی محیط است .

کارکرد زیبایی شناختی^۱ (نمادین) فضا

گزینه زیبایی شناختی در زندگی شهری در زندگی چقدر اهمیت دارد؟ در کجا فهرست اولویت های زندگی انسان قرار می گیرد ؟ و آیا نیاز به زیبایی سیمای شهری به اندازه نیازهای مادی زندگی اهمیت دارد؟ زیبایی شناسی یکی از شاخه های فلسفه است که از یک واژه یونانی به معنای حس ادراک معنا گرفته شده است . درک حس زیبایی کنشی مجزی و خود مختار از مغز است که با ادراکات عقلی قابل مقایسه است؛ زیرا ساختار مغز انسان علاوه بر تعقل، زیبایی شناسی نیز می کند(مدنی پور، ۱۳۷۹ : ۲۳۹). این بدان معناست که انسان نسبت به زیبایی کنش اصیل دارد و حس زیبایی شناختی واقع در ناخودآگاه، رفتار کاوشگرانه انسان را تحت تأثیر قرار می دهد(راپاپورت، ۱۳۸۴ : ۹) و بر روحیه ، ادراک و رفتار تأثیر می گذارد. با این حال زیبایی شناسی به دلیل جدایی نسبی آن از نیازهای اولیه ، در مطالعات شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است .

صرف نظر از موارد خاص، گزینه زیبایی شناختی، میل به زیبایی و فرایندهای قضاوت زیبایی شناختی همواره بخش مهمی از زندگی روزمره انسان را تشکیل می دهد . این که چه مسیری را انتخاب کنیم تا از داخل شهر عبور کنیم یا کدام فضا را برای خرید ، تفریح یا قدم زدن انتخاب نمایم و یا آن که انتخاب کنیم کدام لباس را بخریم و برتن کنیم، جملگی تجارب و مصادیقی از قضاوت زیبایی شناختی در خود دارند که در تمام شرایط و میان همه طبقات اجتماعی به عنوان بخش مهم از ادراک و کنش روزانه مشاهده می شود. نکته مهم در زیبایی شناختی سیمای شهری تأثیر آن بر روحیه، روان و ادراک فرد دریافت کننده است . سیمای شهری نمود عینی شهر و تأثیر گذارترین مؤلفه بر انسان است. زیرا وابسته به مخاطب است و پیوندزمینه فکری، تجارب محیطی و خاطرات ذهنی انسان به سیمای شهری به راحتی امکان پذیر است ؛ به عبارتی انسان نه تنها جزئی از مناظر شهر است بلکه عمدتاً ناظر مناظر شهر می باشد. به همین دلیل در رویارویی با سیمای فضاهای شهری، توقع ایجاد احساس های خاص در خود

دارد که آن را می توان در توقعات عام، موردی، موضعی و موضوعی مورد توجه قرار داد. وحدت، هماهنگی، نظم و تناسبات بصری، عوامل اصلی ایجاد زیبایی در سیمای شهری است که علاوه بر ارتقاء عملکرد شهر، تجربه زیبایی شناختی فضاهای شهری را نیز ارتقاء می دهند. با این حال واکنش های رفتاری برخاسته از زیبایی شناختی کنش های فضایی ممکن است همیشه و در همه جا متناسب با معیارهای اجتماعی نباشد؛ این امر به دلیل تفاوت در سلیقه و دانش زیبایی شناختی افراد است که برحسب سطح آگاهی، سواد بصری، زمینه های اجتماعی، سن و جنس متفاوت است. آنچه مسلم است ادراک حس معنا و واکنش رفتاری نسبت به زیبایی فضا و عناصرسازنده آن است که بر اساس زیبایی شناختی در ذهن مخاطب تعبیر و تاویل می شود. چنین واکنشی می تواند نهفته و پنهان (شادی، غم، آرامش، اضطراب) و یا برون فکنانه و آشکار (تحرك، پرخاش، نظم) باشد. بنابراین با ایجاد رابطه میان زیبایی شناختی و سیمای شهری می توان تاثیر به سزایی در روحیه، ادراک و رفتار به وجود آورد. از این منظر طراحی و برنامه ریزی شهری هنر زیباسازی فضاهای شهری متناسب با سلیقه های زیبایی شناسی شهروندان برای شکل دادن به فرایندهای اجتماعی است.

کارکرد معنایی (کلامی) فضا

فضا گفتگوی میان ذهن و عین^۱ یا به عبارتی واسطه گفتگو میان انسان و دیگر چیزها است. عناصر کالبدی فضا دارای معنی می باشند؛ لذا کارکرد معنایی فضا تاثیر کالبد فضا بر متن اجتماعی است؛ یعنی سوژه ای که پس زمینه عمل و رفتار به شمار می رود. از این منظر معنای محیط بیشتر جنبه پنهان یا عملکرد پنهان فضا است تا موضوعی عملی و روشن. با این حال معنی جدای از عملکرد نیست بلکه مهمترین جنبه عملکرد است (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۱۱). معنای فضا به نسبت ادراک انسان از آن متفاوت است و محیط براساس معنای آن استنباط می شود. در واقع مردم قبل از اینکه فضا را به طور خاص تحلیل کنند، نسبت به معنای کلی آن واکنش نشان می دهند و آن را براساس کیفیت معنایی آن ارزیابی می کنند. به طور مثال معنای نواحی صنعتی به دلیل تصور دود زاء، کثیف و ناسالم بودن آن ناخوشایند است، در حالیکه فضاهای سبز و گذران اوقات فراغت به دلیل ساکت و سالم بودن، معنای خوشایند و

^۱-Mind and Reality

دوست داشتنی دارند. همچنین اتوبانها در وهله اول معنای شلوغی و سر صدا در ذهن ایجاد می کنند.

بدین ترتیب فضای شهری واسطه یا ارتباط متقابل میان مفاهیم و رفتارها^۱ است. استفاده از کارکرد معنایی فضاهای شهری از این نظر اهمیت دارد که فکر انسان اساساً سعی در ایجاد معنی در اشیاء، مکانها و عناصر کالبدی محیط دارد. این بدان معنا است که معانی در مردم است و توجه به معنای استفاده کنندگان مهم است نه طراحان و معماران فضا (همان: ۱۱). درحالیکه معنی استفاده کنندگان معمولاً مورد بی توجهی قرار می گیرد. انسان معنا را نه تنها در فضاهای خاص چون فضاهای مدرن یا تاریخی بلکه در فضاهای عمومی و روزمره شهری نیز جستجو می کند. تأکید بر طراحی بومی و درونگرا که موضوعی مربوط به معناست، از همین ضرورت ناشی می شود.

از فضاهای شهری معانی متفاوتی استنباط می شود که برخی مفهوم جامعه شناختی دارند و برخی دیگر به رهیافت روانشناختی فضای شهری نزدیکتر است. در مجموع کارکرد معنایی فضای شهری در سه دسته قابل طبقه بندی است: معنای ایجابی، معنای سلبی و معنای بینابین. تفاهم و تعامل، وقت شناسی و احساس امنیت جزء کارکردهای ایجابی یا مثبت فضا و تنهایی، بی تفاوتی و احساس انزوا از جمله کارکردهای سلبی فضای شهری است. در همین حال برخی فضاها روحیه خاصی چون حس نوگرایی، تجمل گرایی و غرور را القاء می کنند که از جمله کارکردهای بینابین فضا است.

یکی از موثرترین ویژگیهای معنایی فضاهای شهری؛ جنبه های «تداعی کننده» آن است (همان، ۹) که در شهرهای تاریخی از آن برای یادآوری و تقویت عقاید مذهبی استفاده شده است (لینچ، ۱۳۷۲: ۸، ۱۲) در شهرهای دوره اسلامی نیز معیارهای شناخت شهر و تفکیک آن از روستا، کارکرد معنایی عناصر و نمادهای شهری در تقویت باورها و رفتارهای مذهبی و غیر مذهبی را در خود داشته است؛ وجود مسجد و منبر برای تعریف شهر، در جهت دهی به افکار و رفتارهای مذهبی ساکنان شهر موثر بوده است. در دوره آل بویه علاوه بر ضابطه فوق، اعزام امیر و صاحب خراج به شهر (فقیهی، ۱۳۷۵: ۵۹۲-۵۹۳) حاوی پیام مشخص و تداعی کننده وظایف اقتصادی برای شهروندان بوده است. در شهرهای اسلامی ایران نیز استفاده از نمادها در

^۱ - Concepts and actions

طراحی سیمای کالبدی شهرها، با جنبه های ادراکی و تداعی کننده متعددی همراه بوده است. بارزترین نمونه آن کوبه های موجود بر درب خانه های قدیمی است که کارکرد اطلاع رسانی داشتند؛ چکش صدای بم و حلقه صدای زیر تولید می کرد. لذا چکشرا مردها و حلقه را زنان به صدا در می آوردند (سلطانزاده، ۱۳۷۳: ۹۲). اما این کوبه ها علاوه بر آن، هم از نظر شکل و هم کارکرد (تولید صدا) هویت جنسیتی نیز داشتند و براساس فرهنگ محرمیت در اسلام، الگوی رفتاری مراجعه کننده و ساکنان را مشخص می کردند. شیوه شکل دهی ظاهری، انتخاب مضامین محتوایی در طراحی و ساخت مبادی ورودی یا دروازه های شهری، نمای بیرونی و سردرب فضاهای شهری (فضاهای خصوصی، عمومی، خرد و کلان) در شهرهای سنتی ایران، همه و همه با رویکرد ارتباط کلامی، دارای کارکرد معنایی بوده اند.

کارکرد غیر کلامی (حرکتی) فضا

انسان روزانه میان فضاهای شهری در حرکت فکر (ذهن) یا جسم است و برای مقاصد مختلف حرکتی خود اطلاعاتی را از فضای پیرامون دریافت می کند. این اطلاعات فضایی نه تنها در ادراک ما تاثیر دارند بلکه در رهیابی^۱ یا موفقیت در رسیدن به مقصد نیز به شدت تاثیرگذارند. طراحی یا ترکیب بندی فضای کالبدی از دو طریق به رفتارهای حرکتی کمک می کند؛ نخست ویژگیهای فضا از نظر تمایز یا تفکیک فضاها (کاربریها) است که تشخیص بصری را تسهیل می کند و دیگری سیستم حمایتی- رهیابی فضا شامل علائم، نقشه ها یا اطلاعات فضایی می باشد (Therakomen, 2001, 12).

انتخاب مسیر و جستجوی فضایی دو پدیده مرتبط با کارکرد حرکتی فضا هستند. انتخاب مسیر فرایندی است که طی آن فرد یک مسیر را از میان دسته ای از مسیرها انتخاب می کند ولی این مسیر الزاماً مسیری با فضای بهینه نیست؛ در حالیکه جستجوی فضایی مفهومی گسترده دارد که براساس آن فرد تصمیم می گیرد از میان گزینه های ممکن کدام گزینه فضایی را برای حرکت انتخاب کند؛ مانند اینکه کجا خرید کند؛ در واقع گزینه های انتخاب بالقوه شناخته شده اند اما کیفیت آنها ناشناخته است. لذا در اینجا انتخاب فضایی با کیفیت فضایی در رابطه است (Ibid, 12).

¹ -Wayfinding

فرم فضا مولفه اصلی حرکت فضایی است. هر فرمی حرکت را در ذات خود دارد و در هر اثری یک تحرک قوی یا ضعیف وجود دارد. فرم های فضایی از منظر کارکرد حرکتی به دو دسته تقسیم می شوند: فرم های پویا (دفرمه شده)^۱ و فرم های ایستا (شاطریان، ۱۳۸۶: ۳۱۶). دفرمیشن از عوامل اصلی حرکت است. فضاهای دفرمه شده نسبت به ساختارهای ایستا حرکت بیشتری را سبب می شوند. فضای پویا از طریق تضاد، تنوع و ابهام باعث ایجاد حرکت می شود (همان، ۳۱۷). تضاد و تنوع می تواند در عوامل کالبدی فضا چون مصالح، مقیاس، فرم و و یا در عوامل غیر کالبدی چون نور و سایه ایجاد شود.

فضای پویا به دلیل دارا بودن تنوع، تضاد و ابهام جلب توجه می نماید و به این طریق با ایجاد تامل در فرد، حرکت را آرامتر می کند. فضاهای مکث نیز همین کارکرد را دارند. تاکید بر بزرگ بودن سردرهای ورودی و دفرمه بودن پله ها در طراحی تخت جمشید به منظور کند کردن حرکت بوده است. نمود دفرمه شدن عناصر کالبدی فضا را در شهر سازی دوره صفویه هم می توان مشاهده کرد؛ در میدان نقش جهان کاخ عالی قاپو نسبت به جداره میدان بیرون آمده ولی مسجد شیخ لطف اله نسبت به آن عقب نشینی دارد. به همین دلیل الگوی حرکت انسان در میدان را تحت تاثیر قرار می دهند، به طوریکه مسجد شیخ لطف اله ایجاد کشش می کند. در شهرهای غربی نیز تاثیر دفرمه شدن عناصر کالبدی فضا بر رفتار حرکتی را می توان در طراحی کلیساها مشاهده کرد. این در حالی است که فضاهای متقارن و دارای تناسب، پویایی و حرکت کمتری را القاء می کنند. مثلاً یک راهروی باریک یا یک مسیر پیاده روی کم عرض، حرکت در امتداد محور ولی یک پلان مربع حس ایستایی و تمرکز را القاء می کند. به نظر می رسد امروز، یکی از مهم ترین نیازهای مدیریت رفتار در شهرها بویژه کلان شهرهای ایران، طراحی و احداث فضاهایی است که بتواند شتاب موجود در رفتارهای حرکتی شهروندان را کنترل نماید.

کارکرد حرکتی فضا در حیطه مطالعه علوم معماری، شهر سازی و جغرافیا است. معماری در مقیاس فضای بین فردی، شهر سازی در مقیاس فضای شهری و جغرافیا در حوزه شهری و فراشهری به رابطه میان فضا و رفتار حرکتی انسان می نگرند. در رویکرد این علوم به ترتیب سازه ها، ساختارها و عناصر فضایی، بر رفتار انسان در درون فضا تاثیر می گذارند.

^۱ - Deformation

نتیجه:







سیمای شهری که از مؤلفه‌های اصلی و تأثیرگذار بر فضای شهری است تنها بار کالبدی، کمی و بصری ندارد بلکه با بار کیفی قابل توجه، دارای کارکرد های مؤثری بر الگوهای رفتاری نیز هست.

کیفیت جلوه بیرونی یا نمود ظاهری سیمای فضاهای شهری بر اساس فرایندهای متعددی بازنمود رفتاری پیدا می‌کند. از این منظر مجموع رفتارهای (شهری) محصول روابط و اثرات متقابلی است میان مشاهده‌گر (انسان) و آنچه مشاهده می‌شود (سیمای فضاهای شهری). در واقع سیمای شهری واسطه‌ی تولید و بازتولید فعالیت‌های رفتاری انسان در فضای شهری است. رابطه میان این رفتارها (فعالیتها) با سیمای فضاهای شهری را می‌توان در سه دسته طبقه بندی کرد (شکل ۱):

- ۱- فعالیت‌های ضروری: فعالیت‌هایی هستند کم و بیش الزامی مانند رفتن به محل کار و خرید. این فعالیتها چون ضروری هستند کمتر تحت تاثیر ساختارهای فیزیکی فضا قرار می‌گیرند و تا حدودی مستقل از کیفیت محیط بیرونی اند. لذا در همه شرایط زمان و مکان انجام می‌شوند و همواره بخش مهمی از فرایندهای فضایی شهرها را تشکیل می‌دهند.
- ۲- فعالیت‌های اختیاری: فعالیت‌هایی هستند که چنانچه علاقه‌ای برای آنها باشد انجام می‌شوند؛ مانند قدم زدن، تماشای فعالیت‌های شهری، ایستادن برای لذت بردن. این فعالیتها و علاقه به انجام آن به شدت به کیفیت ساختارهای فیزیکی یا پیکر بندی فضا (عامل بیرونی) وابسته اند. لذا وقتی انجام می‌شوند و نمود فضایی پیدا می‌کنند که شرایط فضایی بهینه باشد و افراد را به بیرون دعوت کند.
- ۳- فعالیت‌های اجتماعی: همه فعالیت‌های است که با حضور دیگران در فضاهای شهری وابسته است. بازی بچه‌ها، ملاقات کردن، گفتگو، انواع فعالیت‌های جمعی و سرانجام رایجترین نوع آن یعنی ارتباطات منفعل چون دیدن و شنیدن دیگران، همه در زمره فعالیت‌های اجتماعی هستند. اینگونه فعالیتها بی اختیار و به صورت خودجوش رخ می‌

دهند و پیامد مستقیم تحرکات و حضور مردم در یک مکان به شمار می روند؛ به همین دلیل فعالیت منتج^۱ نیز نامیده می شوند.

شکل ۱: رابطه میان کیفیت سیمای کالبدی فضا و فعالیتهای شهری

کیفیت محیط فیزیکی		
بد	خوب	
		فعالتهای ضروری
		فعالتهای اختیاری
		فعالتهای اجتماعی

ماخذ: therakomen, 2001.11

چنانچه در شکل (۱) ملاحظه می شود، وقتی کیفیت محیط یا ساختار فیزیکی فضا خوب باشد، فعالیت های اختیاری به صورت روز افزون تکرار می شوند. همچنان که سطح فعالیت های اختیاری افزایش می یابد، دامنه فعالیت های اجتماعی نیز به طور قابل ملاحظه ای بیشتر می شود. در قالب این رویکرد که بر مطالعات انسان شناسی فرهنگی و بویژه گرایش های «انسان شناسی فضا و مکان» و «انسان شناسی منظر» استوار است، فضا نه تنها بستر فرایندها و پدیده های اجتماعی و فرهنگی است بلکه به واسطه آنها ساخته شده است و بر آنها تأثیر می گذارد. این رویکرد با درک و معرفی رابطه عمیق انسان و فضای ساخته شده، بر نقش متغیر های اجتماعی و فرهنگی در فضا سازی شهری تأکید دارد، تا طراحان فضا و برنامه ریزان شهری بتوانند بر تکیه بر آنها اهمیت و کاربرد فضای شهری در زندگی شهری را دریابند و با تولید فضاهای موثرتر بر رفتار انسان، از ظرفیت قابل توجه سیمای شهرها برای هدایت و مدیریت پایدار رفتارهای اجتماعی استفاده نمایند.

^۱ - Resultant activity

منابع

۱. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۲. امت علی، عباس (۱۳۷۸) طراحی مرکز شهر جدید سهند، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. امینزاده، بهناز و همکار (۱۳۸۲) طراحی و الگوی رفتار: پیشنهادی برای بهسازی پارک‌های شهری، مجله محیط شناسی، ویژه‌نامه طراحی محیط، بهار ۱۳۸۲، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، صص ۴۳-۶۰.
۴. برهانی، فاطمه و همکاران (۱۳۷۵) بررسی تبلیغات دیواری سطح شهر تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. پارسی، حمیدرضا (۱۳۷۹) فضای شهری، حیات مدنی و نیروهای اجتماعی - فرهنگی نمونه موردی: خیابان کارگر، شرایط (۱۳۷۸)، پایان‌نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۶. پورسلمانی اناری، علیرضا (۱۳۸۱) چگونگی ادراک و شناخت جهانگرد از بافت قدیم شهر یزد (میدان وقت الساعت)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تهران
۷. حج فروش، جلال (۱۳۸۰) هویت در شهرسازی (نمونه: شهر یزد) پایان‌نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۸. دانشپور، عبدالهادی (۱۳۷۹) بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان نمونه موردی: تهران، خیابان انقلاب، پایان‌نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۹. راپاپورت، آموس، (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۱۰. رمی، ژان (۱۳۸۵) تاریخچه مختصری از جامعه شناسی مکتب شیکاگو، ترجمه مینا مخبری، مفهوم شهر (۱)، نشر ایران، تهران.
۱۱. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۲) مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی - جغرافیا، چاپ سوم، معاونت شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۲. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲) فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۳. شاطریان، رضا (۱۳۸۶) آشنایی با فرم و فضا در معماری، تورنگ، تهران

۱۴. علی‌نژاد، منوچهر و همکاران (۱۳۵۲) طرح پژوهشی رابطه مسائل اجتماعی و سبک معماری شهر تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۵. فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات، تهران
۱۶. فقیه‌بی، علی‌اصغر (۱۳۵۷) آل بویه، صبا، تهران.
۱۷. فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳) جامعه شناسی شهر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گر، آگاه، تهران.
۱۸. قلیچ‌خانی، بهنام (۱۳۷۷) شهر موسیقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۹. کلانتری، محسن (۱۳۸۱) توزیع جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران
۲۱. لینچ، کوین (۱۳۷۲) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران.
۲۲. نقدی، اسداله (۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه شناسی شهر (انسان و شهر)، فن آوران، همدان
۲۳. مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی)، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران.
۲۴. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) روانشناسی محیط و کاربرد آن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
25. Chandler, John (2004), Public Art and Transportation, Highway and Society: WWW.Publicartreview.Org/prf/chandler.pdf
26. Cura, Fedrico (2001), Art on Brings Beyond Mere Beauty: www.publicartonline.org.uk/archive/reports/artintransit.html
27. Matt, Kees and De vries, Paul (2002), Influence of Green Space Amenities in the Residential Environment on travel Behavior, Delf University of Technology, OTB Research Institute for Housing, Urban and mobility Studies.
28. Parso Brinckehoff (PB) NOTES [bull]. (Sep. 2001) www.pbworld.com/news-events/publications/notes/default.asp
29. Shaller, Bruce (1999), Enhancing Transits Competitiveness: A Survey Methodology: www.schallerconsult.com/pub/enhancef.htm
30. Therakomen ,p. (2001),the experiments for exploring dynamic behaviors in urban places , university of Washington, USA
31. Valera, S. Guardia, J. and Pol, E. (1998), A study of symbolic Aspects of Space Using Nonquantitative Techniques of Analysis, Quality and Quantity 32 , Kluwer Academic Publishers , Netherlands, pp.367-381
32. Wirth, Louis (1983), Urbanism as a way of life, American Journal of Sociology.